



درآمد

حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل محمدی از اهالی کرمانشاه است و در بارگاه حضرت معصومه (س) خدمت می‌کند. وی، دو کتاب «منتظران صادق» و «کرمانشاه در صحیفه امام خمینی (ره)» را که در هر دو کتاب، بخش مهمی به زندگی و فعالیت‌های آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی اختصاص دارد، تهیه و منتشر کرده‌است. حجت‌الاسلام محمدی، در این گفت‌وگو به غیر از پرداختن به نامه‌های حضرت امام به شهید اشرفی اصفهانی به اسناد به‌جا مانده از ساواک در خصوص معظم له نیز اشاره می‌کند.

خبر شهادت به ایشان الهام شده بود...

شهید اشرفی اصفهانی از دیدگاه نامه‌های امام خمینی (ره) و اسناد ساواک در گفت‌وگو شاهد یاران با حجت‌الاسلام اسماعیل محمدی

نقل مکان می‌کردند و اگر کسی را به این بهانه می‌گرفتند، اذیتش می‌کردند و از آن بدتر، حتی بردن نام حضرت امام در زمان طاغوت و دوره ستم‌شاهی مشکل‌ساز بوده است. در آن شرایط، شهید اشرفی اصفهانی، چگونه توانسته است ۹۵ درصد از مردم کرمانشاه را با وجود آن بافت گوناگون و متنوع و قومیت‌ها و مذاهبی که در آن‌جا هستند و فعالیت می‌کنند، به سلک مقلدان حضرت امام درآورد؟

به سبب این‌که تبعیت مردم کرمانشاه از علما و روحانیون خوب بود و آن‌ها تابع نظرات علما و بزرگان‌شان بودند. حضرت آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی به همراه عده‌ای از روحانیون که با ایشان همراه و همگام بودند - از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای زرنندی - در واقع یک گروه و جمعی بودند که عده دیگری از روحانیون از آن‌ها حمایت می‌کردند و با هم همگام و همراه بودند. این‌ها بعد از فوت مرحوم آیت‌الله حکیم، مردم را به امام ارجاع می‌دهند، یعنی سربرنگاه و از موقعی که باید مردم را به امام ارجاع می‌دادند، همان موقع این کار را کردند و این، خود سبب شد که یک تصمیم درست، در یک زمان درست، باعث شود که بیش‌تر مردم کرمانشاه از مقلدان حضرت امام باشند.

منظوران از یک تصمیم درست، در یک موقعیت درست، کدام موقعیت زمانی را شامل می‌شود؟

بروجردی ایشان را به کرمانشاه می‌فرستد تا زمانی که حضرت امام، رهبری امت اسلامی را بر عهده می‌گیرند، در میان علما مقبولیت خوبی داشته‌اند. ایشان شخصی بوده که اخلاصش زبان‌زد همه علما و صبوری‌اش به خاطر پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی زبان‌زد بسیاری از بزرگان انقلاب اسلامی بوده است. در وضعیتی که کرمانشاه در آن زمان داشته است، ایشان در طول سه دهه، یکی از محوری‌ترین اشخاصی بودند که رهبری و هدایت مردم را به سمت انقلاب اسلامی عهده‌دار شدند و ما در کرمانشاه شاهد خدمات ارزنده ایشان بودیم که قبل از انقلاب، بالای ۹۵ درصد از مردم کرمانشاه، از مقلدین حضرت امام (ره) محسوب می‌شدند.

ارزش این کار شهید، زمانی روشن می‌شود که در نظر بگیریم در دوران ستم‌شاهی، افراد می‌بایست حتی رساله امام را هم با احتیاط،

این‌ها بعد از فوت مرحوم آیت‌الله حکیم، مردم را به امام ارجاع می‌دهند، یعنی سربرنگاه و از موقعی که باید مردم را به امام ارجاع می‌دادند، همان موقع این کار را کردند و این، خود سبب شد که یک تصمیم درست، در یک زمان درست، باعث شود که بیش‌تر مردم کرمانشاه از مقلدان حضرت امام باشند.

چگونه به سمت تحقیق و کندوکاو پیرامون شهید محراب، آیت‌الله اشرفی اصفهانی کشیده شدید؟

ما اکنون در جمهوری اسلامی به‌عنوان شهروندی زندگی می‌کنیم که امنیت و آسایشی که در آن به سر می‌بریم، مرهون خون شهداست؛ مرهون جان‌فشانی و خدمات بزرگانی است که قبل از انقلاب اسلامی و در آغاز انقلاب و نیز در زمان هشت ساله دفاع مقدس، نقش خودشان را، به نحو احسن، ایفا کردند. این‌ها زحمات بسیاری کشیدند و هر نویسنده یا شخصی که بخشی از کارش را در زمینه شهدا و انقلاب اسلامی قرار نداده باشد، انگار دین خودش را به آن عزیزان ادا نکرده است. ما نیز، به‌عنوان کسانی که سخنرانی می‌کنیم و به عنوان کسانی که می‌توانیم بنویسیم، باید بخشی از اوقات مان و بخشی از کارهای مان را به بزرگان و گذشتگان که زحمات بسیاری کشیدند و این آسایش و امنیت امروز ما مرهون خدمات آن‌هاست، اختصاص دهیم؛ به‌خاطر دینی که به آن‌ها داریم. اگر کاری کرده‌ایم و کاری می‌توانیم انجام دهیم، در واقع، ادای دینی است که به این بزرگواران کرده‌ایم و خود همین، سبب جلب توفیق خداوند تعالی می‌شود تا ما بتوانیم دیگر کارهای مان را هم بهتر انجام دهیم.

شهید اشرفی اصفهانی در حدود سه دهه در کرمانشاه نقش محوری داشتند، یعنی از علمایی بودند که محور سایر روحانیون به شمار می‌رفتند و مورد قبول حضرت امام بودند. از زمانی که آیت‌الله‌العظمی

سایر علما هم برای ایشان احترام خاصی قائل بودند، واقعا نقش خودشان را خوب ایفا می‌کردند. در بیانیه‌هایی که قبل از انقلاب داشتند، همواره هدف امام مطرح می‌شود. مخالفت‌ها و مشکلاتی وجود داشته است، به طوری که حتی حضرت امام هم، زمانی از شدت این اختلافات در کرمانشاه گلایه می‌کنند.

ایشان را به صبر توصیه می‌کردند.

بعد از شهادت حاج آقا مصطفی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه برای ایشان مجلس فاتحه‌ای برگزار کردند و امام نیز در نامه‌ای از ایشان تشکر کردند.

رابطه سه‌گانه شهید اشرفی اصفهانی با امام خمینی و حاج آقا مصطفی، چگونه بوده است؟

در طول زمانی که شهید اشرفی اصفهانی در قم بودند و حضرت امام هم در این شهر حضور داشتند، در درس فلسفه امام شرکت می‌کردند. دوره‌های فقه و اصول‌شان را در محضر بزرگوارانی چون مرحوم آیت‌الله حائری یزدی و مرحوم آیت‌الله بروجردی طی کردند و به نظر می‌رسد آشنایی و دوستی ایشان با حضرت امام و حاج آقا مصطفی، به این دوره برمی‌گردد و نامه‌هایی که باقی‌مانده نشان می‌دهد که هرگاه شهید اشرفی اصفهانی برای امام نامه‌ای می‌نوشتند، احوال حاج آقا مصطفی را هم در این نامه جویا می‌شدند. در یکی از نامه‌ها داریم که حضرت امام - از قول حاج آقا مصطفی - به ایشان سلام می‌رسانند و این را که حال‌شان خوب است به

منظور این است که در ارجاع دادن مرحوم بعد از فوت آیت‌الله حکیم به حضرت امام، اگر تأخیری حاصل می‌شد و دیگران می‌آمدند و سایر مراجع را مطرح می‌کردند، مردم مقلد علمای دیگری می‌شدند. آن وقت، برگشت آن‌ها از سایر مراجع، بسیار کار سخت و دشواری بود.

فکر می‌کنم یکی از دلایل این امر، جذابیت خیلی زیاد و نفوذ بسیار زیاد آیت‌الله اشرفی اصفهانی بوده است و مردم کرمانشاه که از شهرهای مذهبی مانند قم و مشهد دور هستند، در بدو ورود به شهید اشرفی اعتماد کردند و به نوعی معارفه صورت گرفت و سپس توسط شهید محراب، مردم به حضرت امام گرویدند.

البته درست است که شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی، در این میان نقش محوری داشتند، اما نقش سایر علمای دیگر را هم نباید نادیده بگیریم. این‌ها هم به شهید اشرفی اصفهانی و به اهداف انقلاب اسلامی کمک کردند و در این بستر، چون شهید اشرفی اصفهانی - هم از جهت علمی و هم سنی - در مرتبه بالاتری قرار داشتند و سایر علما هم برای ایشان احترام خاصی قائل بودند، واقعا نقش خودشان را خوب ایفا می‌کردند. در بیانیه‌هایی که قبل از انقلاب داشتند، همواره هدف امام مطرح می‌شود. مخالفت‌ها و مشکلاتی وجود داشته است، به طوری که حتی حضرت امام هم، زمانی از شدت این اختلافات در کرمانشاه گلایه می‌کنند، ولی شهید اشرفی اصفهانی استقامت می‌ورزند و به پاس استقامت ایشان، امروز مردمی را در کرمانشاه شاهد هستیم که از جهت تقلید تا زمانی که امام بودند، از معظم له تبعیت می‌کردند، و بعد از ایشان نیز هم‌اکنون بیش‌تر مردم کرمانشاه مقلد حضرت امام (ره) هستند.

شهید اشرفی اصفهانی، از بزرگوارانی بودند که از سال ۱۳۸۶ قمری، طبق اسناد موجود، با حضرت امام مکاتبه داشتند و طبق اسناد، شاهد آن هستیم که هر سال نامه‌ای از امام برای ایشان نوشته می‌شده است و در برخی از این نامه‌ها حضرت امام ایشان را به عنوان "شیخ‌العلما" یاد کرده‌اند. در بعضی از این نامه‌ها، امام از طرف حاج آقا مصطفی خمینی هم به شهید اشرفی اصفهانی سلام می‌رسانند. مشخص است که بین حضرت امام و شهید اشرفی و حاج آقا مصطفی، یک رابطه حسنه و دوستانه برقرار بوده است. امام، در عاشورای سال ۱۳۹۲ قمری مطابق با ۷ اسفند ۱۳۵۰، در بحث اختلافاتی که بین بزرگان کرمانشاه وجود داشت، نامه‌ای به شهید اشرفی می‌نویسند که اهمیت مسأله را نشان می‌دهد. حضرت امام، شهید اشرفی اصفهانی را بسیار به تحمل و صبر توصیه می‌کردند، زیرا مشقاتی که آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه متحمل می‌شدند، طاقت‌فرسا بوده است. پسر ایشان، حاج آقا حسین، نقل می‌کنند که در بسیاری مواقع، ایشان تصمیم می‌گرفتند که از کرمانشاه مهاجرت کنند و یکی از دلایلی که باعث شد تا شهید در کرمانشاه بمانند، همین توصیه‌های حضرت امام به صبر بود. حتی شهید در خواب هم آیت‌الله‌العظمی بروجردی را دیده بودند که

حاج آقا اشرفی اصفهانی اطلاع می‌دهند و البته شهید اشرفی اصفهانی هم یک محبت خاصی به پسر امام داشته‌اند که پس از شهادت حاج آقا مصطفی، مجلسی را در کرمانشاه برگزار می‌کنند.

امام، نامه‌ای خطاب به علمای کرمانشاه نوشتند که در واقع به محوریت شهید اشرفی اصفهانی در آن خطه اشاره دارد و این نامه در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ یعنی زمانی قبل از این‌که ایشان به امامت جمعه کرمانشاه منصوب شوند، نگارش و ارسال شده است. حضرت امام، در مهرماه ۱۳۵۸، حکم امامت جمعه آیت‌الله اشرفی اصفهانی را صادر می‌کنند و در نهایت ایشان در ۲۳ مهر سال ۱۳۶۱ به شهادت رسیدند.

امام از شهادت ایشان به یک شهادت جان‌گداز تعبیر می‌کنند و پیام تسلیتی که به مناسبت شهید اشرفی اصفهانی صادر فرمودند، یکی از مهم‌ترین پیام‌های تسلیتی است که امام صادر کرده‌اند.

این پیام خیلی شاعرانه است. یعنی، به غیر از این‌که عارفانه و دردمندانه است، کلماتش نیز بسیار آهنگین و زیباست. وقتی این پیام را می‌خوانیم، روز به روز زیبایی‌های جدیدی از آن برای ما آشکار می‌شود. به نظر شما، علت این‌که این پیام تا این اندازه متفاوت و ماندگار است، چیست؟

در انقلاب اسلامی، ما هیچ شخصیتی را به استواری و استقامت حضرت امام سراغ نداریم. امام، در آغاز انقلاب اسلامی، وقتی وارد ایران شدند و از ایشان پرسیدند چه حالی دارید؟ چیزی نمی‌گویند و چیز خاصی را بیان نمی‌کنند. حضرت امام، در مقابل اتفاقاتی که در اوایل انقلاب رخ داد، هم‌چون کوه، استوار ماندند، ولی شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، بسیار ایشان را متأثر کرد و از این واقعه گریستند. در واقع، یکی از دلایلی که باعث تأثر امام شد، این بود که شخصیتی که عمری را به اسلام خدمت کرده بود و در سن پیری توقع شهادت برای ایشان نمی‌رفت، آن‌گونه به شهادت رسیدند.

اصولا زیبایی امر طلب که در بنده و مخلوق از طرف خالق به ودیعه نهاده شده است در همین باشد. خداوند می‌فرماید: «ادعونی استجب لکم» یعنی «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». وقتی در احوالات شهید سیر می‌کنیم، می‌بینیم که ایشان همواره بی‌قرار شهادت بوده‌اند، یعنی هم‌چون دامادی که می‌خواهد به وصل برسد، این آرزو را پیوسته بر زبان می‌آوردند، به طوری که در ماه‌های آخر، تمام فامیل را گرد خود، جمع می‌کنند و با آن‌ها وداع می‌کنند. ایشان حتی می‌گویند که امیدوارم چهارمین شهید محراب باشم و شوق‌شان برای شهادت به حدی بوده است که حتی آن فاصله زمانی با آن سه چهار یار عزیزشان را که زودتر شهید شده بودند، تاب نمی‌آوردند. گویا شهید به نوعی نسبت به شهادت‌شان خودآگاهی داشته‌اند. در این مورد توضیح می‌دهید؟

به نظرم نویسندگانی می‌توانند این پیام امام را شرح و تفسیر کنند و جای این دارد



آیت‌الله شاهرستانی، از مراجع عظام تقلید

که حتی کتابی در شرح بیانات حضرت امام در خصوص این پیام نوشته شود.

امام در این پیام می‌فرماید: "شخص صالحی را که آزارش به موری نرسیده بود، از ملت ما گرفتند." و این نشان می‌دهد که شهید اشرفی اصفهانی، در مرتبه اخلاق و عرفان در مرتبه‌ای بوده‌اند که اگر بگوییم ایشان ملهم شدند به این‌که به‌زودی به شهادت می‌رسند، شاید حرف بی‌راه و بی‌ربطی نگفته باشیم؛ اگرچه ما سندی مبنی بر الهام شدن شهادت شهید ندیده‌ایم، ولی شاید شهید احساسی در خودشان داشتند یا در خواب، احساس درونی‌شان می‌گفت که شهید بعدی محراب، ایشان هستند.

شاید اگر در مورد بحث "طلب" از جهت معارف دینی توضیح بفرمایید، موضوع برای خوانندگان روشن‌تر شود.

شهادت، در مکتب اسلام چیزی است که در افق اعلا قرار دارد و تمام بزرگان مسلمان و حتی خود معصومین - علیهم السلام - که در رأس تمام مردم هستند، با شهادت به کمال نهایی رسیده‌اند. آیت‌الله اشرفی اصفهانی در واقع آخرین توفیقی که در این دنیا داشتند، همانا شهادت بود و شهادت یک مسأله کوچک نیست که به‌سادگی، کسی بخواهد از کنار آن بگذرد و اگر کسی نهایت کمالات را بخواهد، خواه ناخواه شهادت در یک افقی قرار دارد که اگر کسی به این افق دست پیدا کند، در پیشگاه خداوند رو سفید وارد می‌شود و این رو سفیدی کم مرتبه و کم مقامی نیست. انسان شاید در طول زندگی مکروهات و گناهانی را مرتکب شود، اما در روایات آمده است که شهادت باعث مغفرت و بخشش انسان می‌شود و نیز باعث می‌شود بسیاری از کمالاتی که در طول عمر، انسان نتوانسته به آن برسد، با شهادت به آن‌ها می‌رسد. این موضوع، شاید به همان جمله حضرت امام اشاره دارد که می‌فرمایند: "شهادت ره صد ساله را یک شبه پیمودند!" یعنی شهادت، اکسیری است که طبق فرمایش حضرت امام، به‌وسیله آن می‌توان راه صد ساله را در یک شب پیمود.

این شخصیت، برای من این‌گونه نبوده است که دست‌نیافتنی باشد. ایشان، در افقی قرار دارند که ضرورت دارد دوستانی که در امر شهیدپژوهشی کار

می‌کنند و در زمینه سیره بزرگان و علما کار می‌کنند و نیز کسانی که می‌خواهند نسبت به شخصیت‌های بزرگ اسلامی شناخت پیدا کنند، در خصوص سیره و روش زندگی این شهید بزرگوار، به‌خوبی، مطالعه کنند. هنوز جامعه ما در حد اعلائی که باید از شهید اشرفی اصفهانی شناخت داشته باشد، ندارد. شهید اشرفی اصفهانی، در مرتبه‌ای عالی - از جهت اخلاق - قرار داشته و رنج‌های بسیاری برای انقلاب اسلامی کشیده‌اند. ایشان، از گنجینه‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رفتند. شهید محراب، تمام مشقت‌ها و رنج‌ها را به‌خاطر خداوند طی می‌کنند و شاید به‌خاطر همین اخلاص و خلاجوی‌شان بوده است که در پایان عمر خداوند ایشان را با شهادت به نزد خویش فرامی‌خواند. شهید اشرفی اصفهانی گفته‌اند که من در طول دوران تحصیل، تا پایان فقه و اصول، حتی یک کتاب ملکی از خودم نداشتم و همیشه از کتاب‌های وقفی استفاده می‌کردم.

به‌علاوه، ایشان به این فضیلت هم نائل شدند که هم از طرف مادر سادات باشند و هم همسرشان سیده بوده است و خودشان نیز احترام خاصی برای سادات قائل بودند. نقل شده است که در خانه، وقتی همسرشان در اتاق حضور داشتند، شهید خیلی مؤدب می‌نشستند، حتی پای‌شان را نیز دراز نمی‌کردند تا به سادات بی‌احترامی نکرده باشند.

شنیده‌ایم یکی از دوستان‌تان، نام فرزندشان را براساس علاقه به نام شهید اشرفی اصفهانی، عطاءالله نهاده‌اند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی، از آن جهت که شخصیت بزرگوار بوده‌اند، مورد علاقه و محبت بسیاری از مؤمنین قرار گرفته‌اند. به‌طوری‌که یکی از دوستان ما در همان اوایل شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، به‌خاطر محبت و بزرگواری این شهید، نام فرزند تازه متولد شده خود را عطاءالله نهادند. البته این، رسمی دیرین است و چنان‌که می‌بینیم نام شهدا بر بسیاری از فرزندان شیعه گذاشته می‌شود.

شما در کتاب‌تان، نامه‌های حضرت امام به شهید اشرفی اصفهانی را که در مجموع ۱۳ تا بوده است جمع‌آوری کرده‌اید و تمام مطالب را عنوان کرده‌اید.



به‌جز این‌ها، چه بخش‌هایی از زندگی شهید باقی مانده است که باید به آن‌ها بپردازد؟

کتابی تحت عنوان «شاگردان امام در کرمانشاه» در حال تکمیل است که در ابتدای آن، به شهید اشرفی اصفهانی و اسناد و مدارک و نامه‌های مربوط به ایشان، پرداخته‌ام و هم‌چنین مکاتبات و اسنادی که مربوط به ساواک است و در حال حاضر، بخشی از آن دارد به مرحله نهایی می‌رسد.

درباره مجموعه‌ای که در حال جمع‌آوری آن هستید و نیز آن بخش از اسناد ساواک که مربوط به شهید اشرفی اصفهانی است، بیش‌تر توضیح دهید.

در خصوص شهید اشرفی اصفهانی، چند مجموعه داریم. یکی، همین مجموعه نامه‌هاست که منتشر شده

براساس مستندات مکتوب و شفاهی تاریخ انقلاب اسلامی، شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی در دوران مبارزه علیه طاغوت، یکی از روحانیان شاخص و مورد توجه امام بوده‌اند که در رهبری مردم کرمانشاه به سوی امام و انقلاب نقش محوری و ارزشمند ایفا کردند.

است، یکی هم مجموعه بیانیه‌هایی است که علمای کرمانشاه و در رأس آن‌ها شهید اشرفی اصفهانی به مناسبت‌هایی که در دوران قبل از انقلاب و در اوایل انقلاب پیش آمده است، برای اطلاع مردم صادر می‌کردند.

براساس مستندات مکتوب و شفاهی تاریخ انقلاب اسلامی، شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی در دوران مبارزه علیه طاغوت، یکی از روحانیان شاخص و مورد توجه امام بوده‌اند که در رهبری مردم کرمانشاه به سوی امام و انقلاب نقش محوری و ارزشمند ایفا کردند. ایشان، در گام اول پس از رحلت مرحوم آیت‌الله حکیم، مؤمنین را به امام خمینی ارجاع دادند و به همین خاطر متحمل فشارهای زیادی از سوی مخالفان شدند. شهید اشرفی یکی از اسوه‌های صبر و ایستادگی در راه اهداف مقدس و نیز یکی از علمایی بودند که ساواک مأمور بود، به‌طور مستمر، از ایشان گزارش تهیه کند. همگامی و همراهی ایشان با روحانیون مبارز کرمانشاه و صدور اعلامیه‌های روشن‌گرانه از نقاط برجسته زندگی ایشان است. آیت‌الله اشرفی اصفهانی از شخصیت‌های وفاداری بودند که به ملاقات روحانیون مبارز در زندان اهتمام داشتند. مسجدی که ایشان در آن اقامه نماز می‌کرد، محلّی بود برای حضور روحانیون مبارز و سخنرانی آنان به دلایل یاد شده، افرادی که با رژیم طاغوت سر و سُرّی داشتند، یا فشار و فراهم آوردن رنجش خاطر ایشان، قصد داشتند آیت‌الله را مجبور به مهاجرت کنند تا یکی از ارکان مبارزه را حذف کنند، اما ایشان تا آخر ایستاد و خاری بود در چشم موافقان رژیم طاغوت و استوانه‌ای بود برای تکیه روحانیون و مردم مبارز و انقلابی. ■